

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره اول - فروردین ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۴۷

دیوان "روشن شیرازی" و ویژگیهای سبکی و ادبی آن

(صفحه ۲۵۹-۲۸۱)

ندا مویدی^۲، زهرا نصر اصفهانی (نویسنده مسئول)^۳، احسین مسجدی^۴

تاریخ دریافت و پذیرش: پائیز ۱۳۹۵

چکیده

"میرزا احمد بن محمد حسین متولی باشی" متخلص به "روشن" از شاعران قرن سیزدهم هجری قمری است. وی از متولیان آستان مبارک حضرت شاهچراغ (ع) بوده و این مسئولیت بصورت موروثی در خاندان وی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. میرزا احمد متولی باشی دیوان شعر ارزنده‌ای دارد که "علی اکبر شاکر" بخط نستعلیق شکسته آن را کتابت کرده و نسخه خطی آن در کتابخانه حضرت شاهچراغ شیراز نگهداری میشود. میرزا احمد شیعه مذهب بوده و ارادت قلبی ویژه‌ای به خاندان عصمت و طهارت داشته است. بخش وسیعی از دیوان وی به اشعاری اختصاص دارد که در رثای امام حسین (ع) و واقعه کربلا سروده شده. از دیگر موضوعات شعری روشن، بیان اندیشه‌های قلندرانه و مغانه، موضوعات عاشقانه، مدح، وصف و نیز برخی وقایع زندگی شخصی شاعر است. سرودن ماده تاریخ نیز مورد توجه او بوده است. دیوان "روشن" ۳۰۱۶ بیت دارد که در قالبهای مختلف از جمله قصیده، غزل، قطعه، ترکیب بند، مسمط و رباعی سروده شده است.

این دیوان تاکنون تصحیح و چاپ نشده و در اختیار جامعه ادبی کشور قرار نگرفته است، از این رو نگارندگان این مقاله بتصحیح و مقدمه‌نویسی آن مبادرت کرده و در این مقاله ضمن معرفی میرزا احمد متولی باشی و خاندان وی که جایگاه ارزنده‌ای در علم و هنر و ادب داشته‌اند، بمعرفی اجمالی دیوان روشن و ویژگیهای سبکی و ادبی آن پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: میرزا احمد متولی باشی، روشن شیرازی، دیوان، ویژگیهای سبکی

۱- از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم، تمام مجلات علمی پژوهشی کشور به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، moayedineda@gmail.com

۳- دانش‌یار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
ایمیل: nasrzahra@yahoo.com

۴- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، masjedi.hossein@es.isfpu.ac.ir

Roshan-e-Shirazi's Diwan and its Stylish and Literary Characteristics

Zahra Nasr Esfahani^۱ (Author in Charge), Hossein Masjedi^۲,

Neda Moayyedi^۳

Abstract

“Mirza Ahmed bin Mohammad Hossein Motavalli Bashi” known as “Roshan” is one of the poets who lived in the Hijri's thirteenth century. He was one of the custodians of the Shah-e-Cheragh holy shrine which was a hereditary position in his clan. Mirza Ahmed Motavalli Bashi as a collection of valuable poetry, transcribed in broken Nastaliq script by “Ali Akbar Shaker” with its original handwritten volume still existing in the library of Shah-e-Cheragh shrine in Shiraz. Mirza Ahmed was one of the followers of Shia Islam and had great love for the household of prophet Mohammad. A large portion of his Diwan concentrates on the mourning of Imam Hossein and Karbala event. Other topics seen in Roshan's poetry include Qalandaris poetry, love poems, and description of some events in his personal life. The historical poems written by him are also of great importance. Roshan's Diwan includes a total of 3016 lines written in different templates including balladry, Ghazal (sonnet), segments, composite-tie, Multiple-poem and quatrain.

This Diwan had not been edited or printed to this day and is not available to the society at large. Therefore, the authors the current article edited this Diwan and wrote an introduction for it. In this article, along with introducing Mirza Ahmed Motavalli Bashi and his family and their place in Persian literature, the stylish and literary characteristics of Roshan's Diwan is introduced .

Keywords: Mirza Ahmed Motavalli Bashi, Roshan-e-Shirazi, Diwan, Stylish characteristics

^۱ Associate Professor of Persian Language and Literature. nasrzahra@yahoo.com

^۲ Associate Professor of Persian Language and Literature.

Masjedi.hosein@es.isfpnu.ac.ir

^۳ M.A Graduated of Persian Language and Literature. Moayedineda2gmail.com

مقدمه:

میرزا احمد متولی‌باشی متخلص به "روشن" یکی از شاعران سبک بازگشت ادبی است، یعنی دوره‌ای که دو شاخه اصلی دارد: قصیده‌سرایی به سبک شاعران کهن خراسانی و عهد سلجوقی و غزلسرایی به سبک عراقی. از میان شاعران دوره بازگشت برخی مانند صبا، قالی و سروش در قصیده‌سرایی به سبک خراسانی و برخی دیگر همچون مجمر اصفهانی، فروغی بسطامی و نشاط اصفهانی در غزل‌سرایی به سبک عراقی مشهور شده‌اند، در این میان شاعرانی نیز هستند که شیوه بینابین را برگزیده‌اند و با توجه به توانایی و قدرت طبع شعری خویش هم در سرودن قصیده به سبک خراسانی و هم در سرودن غزل به سبک عراقی طبع‌آزمایی کرده و آثار ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشته‌اند. یکی از این شاعران میرزا احمد متولی‌باشی متخلص به "روشن" است. دیوان "روشن" از جهت قرار گرفتن در حیطه سبک بازگشت ادبی قابل توجه است اما آنچه به این دیوان جلوه‌ای دیگرگونه میبخشد، اظهار ارادت قلبی شاعر به خاندان عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) در بخش قابل توجهی از دیوان و توجه ویژه او بواقعه اسفبار کربلا و ذکر مصائب حضرت امام حسین (ع) و اهل بیت ایشان است.

نگارندگان این مقاله که بتصحیح و مقدمه‌نویسی دیوان "روشن" مبادرت کرده‌اند، در این مقاله ضمن معرفی میرزا احمد متولی‌باشی و خانواده او بعنوان یکی از خانواده‌های شاخص شیراز در زمینه ادب و هنر، بمعرفی نسخه خطی دیوان او و ویژگی‌های نگارشی آن پرداخته و ضمن بیان موضوعات شعری وی در دیوان، برخی ویژگی‌های سبکی و ادبی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند.

"احمد بن محمد حسین متولی‌باشی" و خاندان او

میرزا احمد، متخلص به "روشن"، فرزند میرزا محمد حسین عالی، فرزند میرزا احمد، کلانتر فارس، از شاعران توانمند سبک بازگشت ادبی در قرن سیزدهم و از خانواده سادات شریف حسینی است که بصورت موروثی از متولیان آستانه مبارک حضرت شاهچراغ در شیراز بوده‌اند. مؤلف حدیقه‌الشعرا این خاندان را از احفاد میر سید شریف جرجانی شیرازی، عالم پر آوازه سده هشتم هجری میدانند. (ر.ک: حدیقه‌الشعرا. دیوان بیگی: ص ۶۹۵) میرزا احمد در اوایل قرن سیزدهم هجری قمری در شیراز بدنیا آمد. حسینی فسایی در فارسنامه ناصری ضمن معرفی این خاندان، درباره میرزا احمد مینویسد: «جناب قدوة اخیار و زبده اسرار، سیدالسادات و مجمع سعادات، نادره زمان، ناظم در و مرجان، میرزا احمد روشن تخلص، متولی آستانه مبارکه حضرت سید میر احمد مشهور به شاهچراغ (ع)، در سال ۱۲۱۵ در شیراز متولد گشته، کسب کمالات نموده، در مراتب شاعری گوی سبقت را از همگان ربود و در سال ۱۲۶۱ به رحمت ایزدی پیوست و او را پسری نبود.» (فارسنامه

ناصری. حسینی فسایی. ج ۲: ص ۹۴۵-۹۴۴) در تذکره دلگشا که مؤلف آن معاصر میرزا احمد بوده، درباره وی آمده است: «"روشن" اسمش میرزا احمد، ولد ارجمند میرزا محمد حسین عالی است ... از جمله سادات عالیات حسینی و حال در عنفوان شباب و نایره شوق تحصیل کمالاتش در التهاب است تا مقدر الهی در حقش چه باشد؟» (تذکره دلگشا. نواب شیرازی: ص ۵۹۲) روشن به سیادت خود در دیوان اشاره کرده، میگوید:

"روشن" "عالی" گهرم زان که هست نسبتم از نسل شه «لو کشف»
روح عم و باب ز من شاد باد زان که نبودم خلفی ناخلف
(دیوان روشن: ۲۰۰)

"خیام‌پور" در اثر معروف خود "فرهنگ سخنوران" از میرزا احمد با عنوان "روشن شیرازی" نام برده است. (ر.ک: فرهنگ سخنوران. خیام‌پور: ص ۲۴۲)

پدر میرزا احمد روشن، "محمد حسین" نیز از شاعران معروف روزگار خود در شیراز بوده و "عالی" تخلص میکرده است. در "تذکره اختر" درباره وی آمده است: عالی شیرازی خلف صدق میرزا محمد، کلانتر فارس و از اجله سادات عالی درجات حسینی، نام نامیش میرزا محمد حسین، جوان نیکو خصالی است صاحب اخلاق ستوده، تحصیل بعضی مراتب علمی نموده. (ر.ک: گرجی نژاد. تذکره اختر: ص ۱۳۹) نواب شیرازی مؤلف "تذکره دلگشا" درباره کمالات میرزا محمد حسین عالی مینویسد: خط نستعلیق را خوش نویسد، صاحب دیوان است و شعر را نیکو شناسد. (نواب شیرازی. تذکره دلگشا: ص ۶۴۳) عبدالرزاق دنبلی در تذکره "نگارستان دارا" تعداد ابیات دیوان او را قریب ده هزار بیت مینویسد. (ر.ک: عبدالرزاق دنبلی. تذکره نگارستان دارا: ص ۲۳۹) و صاحب "مرآة الفصاحه" میگوید: «... میرزا شفیع متخلص به وصال او را استاد خطاب کرده» (شیخ مفید داور. مرآة الفصاحه: ص ۲۴۸) وفات او در حدود سال ۱۲۳۶ه اتفاق افتاده است. (ر.ک: هدایت. مجمع الفصحا: ص ۷۴۲) "حسینی فسایی" در اثر ارز شمند خویش "فار سنانه ناصری" مطالب نسبتاً مفصلی درباره محمد حسین عالی و خانواده او بیان کرده و اشعاری از وی آورده است. (ر.ک: فارسنامه ناصری. حسینی فسایی. ج ۲: ۹۴۸-۹۴۲) معلم حبیب‌آبادی نیز از وی نام برده و دیوان شعرش را معرفی کرده است. (ر.ک: معلم حبیب‌آبادی. مکارم الآثار: ص ۵۵۰) این شهرت وافر و ذکر سایر تذکره‌ها، نشان از عظمت جایگاه این خاندان در شعر و ادب و هنر دارد. میرزا احمد روشن در اشعاری که در رثای پدر خویش سروده، بزرگی او در هنر شاعری اشاره کرده و او را "سید شعرا" لقب داده است:

شعرا گو شوند نوحه‌سرا کز جهان رفت سید شعرا
طوطی نطقست ای جهان سخن با هزاران زبان چرا زده تن؟
(دیوان روشن: ۶۴)

معرفی نسخه خطی دیوان "روشن":

"میرزا احمد متولی باشی" متخلص به "روشن" دیوان شعری دارد که بصورت نسخه خطی منحصر بفردی در کتابخانه شاهچراغ شیراز نگهداری می‌شود. علی اکبر شاکر این نسخه را بخط نستعلیق شکسته کتابت کرده است. این دیوان ۲۰۹ صفحه دارد و در فهرست کتابهای خطی کتابخانه شاهچراغ بشماره ۳۰ ثبت شده است. (ر.ک: فهرست کتابهای خطی کتابخانه شاهچراغ. برکت: ص ۱۶۴) این نسخه در فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا) اینچنین معرفی شده است: «دیوان روشن / شعر / فارسی [۱]، شریفی حسینی، احمد بن محمد حسین (۱۲۶۱ق)، ۱۲۳۴۴۳ (شیراز - شاهچراغ ش: ۳۰) / شاکر / نستعلیق شکسته، ۱۱ ذیقعه ۱۲۸۲/۱۰۵ برگ / ف: ۳-۴۰» (فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران. درایتی: ص ۱۷۳)

این نسخه کامل است و جلد سبزرنگی دارد. صفحه آغازین آن که فاقد کتیبه است با "بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم" شروع می‌شود و ذیل آن نوشته شده: «هذا دیوان اشعار ذرربار بلاغت آثار سلاله‌السادات و النجبا و العظام ذوی‌الاحترام»، در انتهای نسخه هم این عبارات درج شده: «تمت‌الکتاب بعون‌الملک‌الوهاب من کلام ... روشن تخلص بتاریخ یازدهم شهر ذیقعه‌الحرام کتبه‌العبد‌المذنب‌الاثیم ... الواثق بالله و المتوکل علی الله شاکر ۱۲۸۲». در متن نسخه اشعاری در حاشیه صفحات درج شده که هرچه به انتهای نسخه نزدیکتر می‌شویم، بیشتر بچشم می‌آید. در تمام متن در انتهای صفحات فرد رکابه‌نویسی دیده می‌شود، البته صفحات شماره‌گذاری هم شده‌اند اما این شماره‌ها دستنویس نیست و متأخر از متن است. در چند مورد محو شدگی یا پخش‌شدگی مرکب وجود دارد اما بطور کلی اوراق نسخه سالم و کامل هستند. "برکت" در کتاب "فهرست کتابهای خطی کتابخانه حضرت شاهچراغ(ع)"، مطالبی را که روی برگ اول نسخه نوشته شده، این گونه ثبت کرده است: «در این اوقات سرکار آقای میرزا محمد حسین تسکره (مشکات) از حضرات شعرای شیرازی، دیوان روشن را جمع مینماید و تصنیف میکند، جهت حضرت اشرف ارفع والا آقای عین‌الملک نایب ایالت مملکت فارس ادام الله شوکت‌المعالی.» (فهرست کتابهای خطی کتابخانه شاهچراغ. برکت: ص ۱۶۵)

ویژگیهای نگارشی نسخه:

در این نسخه همچون بسیاری از نسخ خطی دیگر رسم‌الخط خاصی وجود دارد که در برخی موارد با رسم‌الخط رایج در روزگار ما متفاوت است، مانند:

- ۱- نوشتن حرف "گ" به صورت "ک": جگر / جگر (نسخه خطی دیوان روشن: ص ۶)، کلهای رنگین / گلهای رنگین (همان: ص ۱۰)
- ۲- درج نکردن نقطه بر روی برخی از حروف و کلمات: چشم / چشم (همان: ص ۷)،

- حنجر/خنجر (همان: ص ۷) ، مسخّر/ مسخّر (همان: ص ۱۸)
- ۳- متصل نوشتن حروف اضافه و اشاره به کلمه بعد از آن: بزخم/ به زخم (همان: ص ۱۰) / بعزایت/ به عزایت (همان: ص ۱۹) ، آندم/ آن دم (همان: ص ۱۸)
- ۴- جدا نوشتن "ب" تاکید و ن "نفی" از فعل در برخی موارد: نه بودی / نبودی ، (همان: ص ۵)
- ۵- نوشتن کلمات مختوم به "ه" بیان حرکت "در" اضافه شدن "ی" وحدت یا نکره "به آن - که امروزه بصورت "ای" نوشته میشود- بدون این مشخصه: دیده اشکبار / دیده‌ای اشکبار (همان: ص ۶) ، نگشته لحظه از دور او / نگشته لحظه‌ای از دور او (همان: ص ۳۳)
- ۶- درج نکردن کسره اضافه (ه) در کلمات مختوم به "ه" بیان حرکت: "لجّه درد / لجه درد (همان: ص ۷) چهره اطفال / چهره اطفال (همان: ص ۲۶) ، طپانچه شمر / طپانچه شمر (همان: ص ۳۳)
- ۷- ابقای "ه" بیان حرکت "در" اضافه شدن "ی" و "ان" به آن با وجود صامت میانجی در برخی موارد: پرده‌گیان / پردگیان (همان: ص ۲۴) ، ستم‌زده‌گان / ستم‌زدگان (همان: ص ۳۳)
- ۸- درج نکردن مشخصه مد (~) برای حرف (أ) در بیشتر موارد: اری / آری (همان: ص ۴) ، آهنگ / آهنگ (همان: ص ۴)
- ۹- درج نکردن "ه" بیان حرکت "در" اضافه شدن علامت جمع "ها" به آن: کینه‌های / کینه‌های (همان: ص ۲۰) نامها / نامه‌ها (همان: ص ۲۲)
- ۱۰- درج واو معدوله برای کلماتی که بدون این مشخصه نوشته میشوند در برخی موارد: خوانه زاد/ خانه‌زاد (همان: ص ۱۸۱) ، خواطر/ خاطر (همان: ص ۱۸۳)
- ۱۱- وجود برخی اشتباهات املائی و نوشتاری: لعام/ لنام (همان: ص ۳۳) ، ارازل/ اراذل (همان: ص ۱۶۴) ، هجرالاسود/ حجرالاسود (همان: ص ۱۷۹) ، تخلث/ تخلص (همان: ص ۲۰۹)

سبک شعری روشن

از اواخر قرن دوازدهم گروهی از شاعران که از عبارت‌پردازیها و نکته‌سنجیهای سبک هندی خسته بودند، از این شیوه عدول کرده و گریزی بشیوه‌های شعری گذشتگان زدند، بطوریکه در قاصیده به سبک خراسانی و در غزل سرایی به سبک عراقی روی آوردند. این جریان ادبی که با عنوان جنبش بازگشت شناخته میشود، از اواخر دوره افشاریه پدیدار شد، در عهد کریم‌خان توسعه پیدا کرد و از زمان فتحعلی شاه قاجار به بعد رواج و اشاعه کامل یافت. (ر.ک: کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۳۰۶) به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران هر چند نهضت بازگشت ادبی را بدلیل آنکه شاعران این شیوه عموماً بتقلید از گذشتگان

پرداختند، نمیتوان بعنوان یک سبک جدید پذیرفت، اما این حرکت موجب شد از انحطاط و سقوط شعر فارسی جلوگیری شود. در سبک بازگشت، قصیده مورد توجه بود و موضوع قصیده‌ها بیشتر مدح بود. غزل نیز در جایگاه دوم قرار داشت که بشیوه غزلیات سعدی، حافظ، خواجه و سلمان سروده میشد. (ر.ک: سبکها و مکتبهای ادبی. سجادی و بصاری: ص ۲۳)

"روشن" که در قرن سیزدهم ه.ق. میزیسته، تحت تأثیر شرایط حاکم بر فضای ادبی دوره خود، تابع نهضت بازگشت ادبی است و بقصیده بویژه قصاید مدحی توجه شایانی دارد. قصاید وی که حال و هوای قصاید سبک خراسانی را بیاد می‌آورد، بیشتر برخاسته از اندیشه‌های مذهبی و تفکرات شیعی اوست. وی قصاید متعددی در ذکر مصائب امام حسین(ع) و وقایع روز عاشورا دارد؛ اشعاری نیز در مدح پیامبر اسلام(ص)، حضرت علی(ع) و دیگر پیشوایان مذهبی سروده است. چند بیت زیر، ابیات آغازین قصیده‌ای است در مصیبت حضرت امام حسین(ع):

بیا که نوبت اندوه و ناله گشت پدید	چرا که ماه عزا خنجر از هلال کشید
دمید لاله رنگین چو خون سرور دین	به ابر دیده بگو نوبهار گریه رسید
نزول کرد به صحرای سینه لشکر غم	به آن مثال که در کربلا سپاه یزید ...

(دیوان روشن: ۱۶)

برخی دیگر از قصاید او بمدح اختصاص دارد. قصاید او بطور کلی سلیس و روان است و تعقید و کلمات مهجور در آن جایی ندارد.

روشن در غزلیات خویش به سبک عراقی تمایل دارد. غزلیات وی زیبا، شورانگیز و عاشقانه است و در عین حال از سلاست و روانی خاصی برخوردار است. چند بیت زیر نمونه‌ای از غزلیات اوست:

جامه‌ها چاک زند، سلسله‌ها پاره کند	هر که زنجیر سر زلف تو نظاره کند
با سر زلف تو پیوند وفا باز رقیب	بست تا رشته امید مرا پاره کند
نوبهار است و مرا وجه می و مطرب نیست	تا چه‌ها دور فلک بر من می‌خواره کند
چند هر دم به دگرگونه غمی می‌گشدم	قصد جانم فلک ای کاش که یکباره کند...

(دیوان روشن: ۱۴۶)

از بس بدیع پیکر و پاکیزه منظری	شد عقل در شگفت که - - - - - خوری تو یا پری؟
دی از برم گذشت و بری زد به من ز مهر	چون من نخورده است کس از عمر خود بری...
از بس که از رسوم ستمکاری آگهی	هرگز ندیدم از تو جـــــفای مکرری
"روشن" چنین ستیزه که دید از نگاه تو	هرگز ندیده هیـــــچ مسلمان ز کافری

(دیوان روشن: ۱۷۷)

اینک سبک شعری "روشن" از نظر زبانی، فکری و ادبی مورد بررسی اجمالی قرار

میگیرد:

۱- ویژگی‌های زبانی:

زبان شعری روشن بسیار سلیس و روان است و پیچشهای زبانی، ترکیب‌سازیهای غریب و کاربرد واژه‌های دشوار در آن بچشم نمی‌آید. بطور کلی سبک شعری روشن در سطح زبانی از سه منظر قابل بررسی است:

الف: سطح آوایی:

* موسیقی بیرونی: بررسی دیوان روشن از حیث موسیقی بیرونی یعنی وزن شعر نشان میدهد که وی از مجموع ۳۰۱۶ بیت در کل دیوان خویش بترتیب بسامد از اوزان زیر استفاده کرده است. تعداد ابیات هر وزن و در صد آن در سنجش با کل ابیات بدین شرح است:

۱- مضارع اُخرب مکفوف محذوف ۶۸۰ بیت ← ۲۲/۵۴ درصد

۲- رمل مِثمن محذوف ۵۵۴ بیت ← ۱۸/۳۶ درصد

۳- رمل مِثمن مخبون محذوف ۲۴۶ بیت ← ۸/۱۵ درصد

۴- مجتث مِثمن مخبون محذوف ۲۰۵ بیت ← ۶/۷۹ درصد

۵- هزج مِثمن سالم ۱۵۴ بیت ← ۵/۱۰ درصد

۶- منسرح مِثمن مطوی منحور ۱۵۰ بیت ← ۴/۹۷ درصد

۷- خفیف مخبون ائلم ۱۴۴ بیت ← ۴/۷۷ درصد

۸- متقارب مِثمن محذوف ۱۳۱ بیت ← ۴/۳۴ درصد

۹- رمل مسدس محذوف ۱۲۱ بیت ← ۴/۰۱ درصد

۱۰- متقارب مِثمن سالم ۱۱۶ بیت ← ۳/۸۴ درصد

۱۱- هزج مِثمن اُخرب مکفوف ابتر یا محبوب ۱۱۰ بیت ← ۳/۶۴ درصد

۱۲- هزج مِثمن اُخرب مکفوف محذوف ۸۷ بیت ← ۲/۸۸ درصد

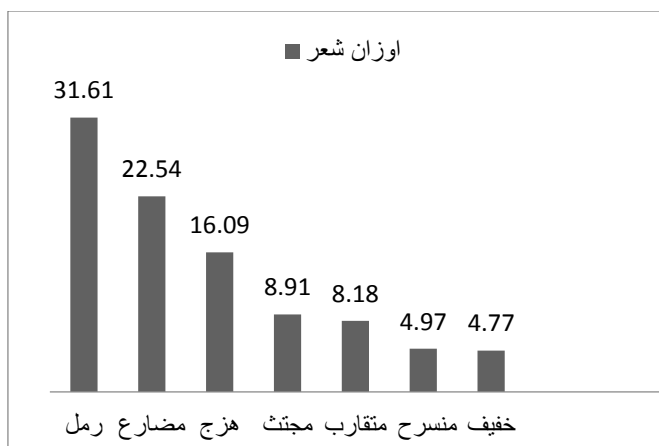
۱۳- هزج مسدس محذوف ۸۱ بیت ← ۲/۶۸ درصد

۱۴- مجتث مِثمن مخبون ۶۴ بیت ← ۲/۱۲ درصد

۱۵- هزج مسدس اُخرب مقبوض محذوف ۵۴ بیت ← ۱/۷۹ درصد

۱۶- رمل مِثمن سالم ۳۳ بیت ← ۱/۰۹ درصد

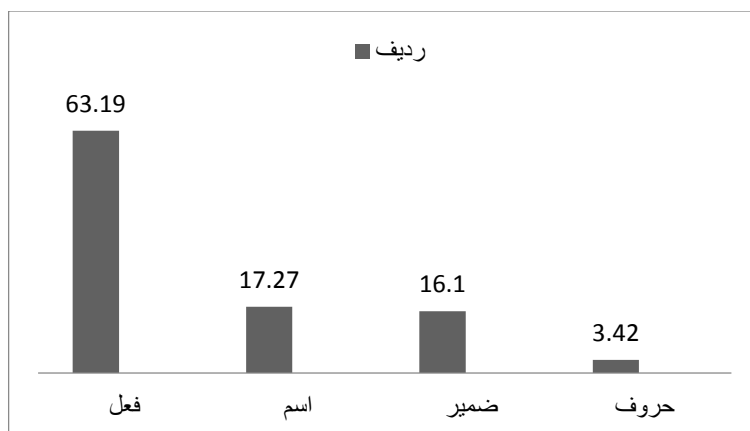
۹ وزن دیگر هم در دیوان روشن مورد استفاده قرار گرفته که بدلیل کاربرد کمتر از یک درصد در هر مورد، بیان آن حائز اهمیت بنظر نمیرسد. نمودار کلی کاربرد بحور شعری بر اساس درصد در دیوان روشن چنین است:



بطور کلی میتوان گفت: با توجه به رویکرد مذهبی روشن در شعر و توجه خاص او بر مثنوی سرایی اهل بیت (ع) و پیشوایان مذهبی بویژه واقعه عاشورا، اوزان سنگین و طولانی که تداعی کننده حزن و اندوه است، کاربرد بیشتری در دیوان او دارد.

* **مو سیقی کناری:** قافیه و ردیف، مو سیقی کناری شعر را می سازد. برر سی کلمات قافیه در دیوان روشن بیانگر آن است که شاعر هنرنمایی خاصی در این حیطة انجام نداده است، بر این اساس کلمات قافیه در شعر او معمولاً ساده است و هجای قافیه را همان هجاهای رایج و پر کاربرد در زبان فارسی تشکیل میدهد؛ این امر نشان میدهد که شاعر بطور کلی بیشتر بمعنی و مفهوم توجه دارد و در صدد نشان دادن توانمندیهای شاعرانه و اظهار لفاظیهای ادیبانه نیست.

کاربرد ردیف در دیوان وی بطور کلی تک واژه‌ای است و بجز موارد " آمد به سر"، " در بغل"، " که همچنین"، " هر دو"، " تو را"، " خود را"، " آمده است"، " عشق است"، " است نیست"، در سایر موارد یک واژه بیشتر نیست. بررسی ردیفهای به کار رفته در دیوان روشن از لحاظ نوع کلمه نشان میدهد که وی در بیشتر موارد " فعل" را در جایگاه ردیف قرار داده است، پس از " فعل" که بیشترین بسامد را بخود اختصاص داده است، " اسم" در جایگاه بعدی قرار دارد. " ضمائر" و " حروف" نیز بترتیب، بسامدهای کمتر را بخود اختصاص داده‌اند. کاربرد ردیف در شعر روشن بر اساس در صد در نمودار زیر نشان داده شده است:



در میان افعال، فعل "است" با ۱۴۹ مورد، در میان اسامی واژه "چشم" با ۷۴ مورد، در حیطه ضمائر واژه "من" با ۷۹ مورد و در میان حروف حرف "را" با ۲۴ مورد بیشترین فراوانی ردیف را بخود اختصاص داده‌اند.

در بررسی کلی ابیات از حیث کاربرد ردیف این نتیجه آشکار میشود که از مجموع ۳۰۱۶ بیت کل دیوان، ۱۳۷۲ بیت دارای ردیف است. اگر این ارقام بر اساس درصد ارائه گردد، ۰/۴۵ کل دیوان را شامل میشود.

***موسیقی درونی:** انواع سجعها و جفا سها، تر صیع و موازنه، هم‌حرفی یا واج‌آرایی، تکرار کلمات و مواردی از این دست در حیطه موسیقی درونی شعر قابل بررسی است که برای هر کدام مصداقهای فراوانی در شعر روشن وجود دارد اما به دلیل تنگی مجال سخن به بیان یک شاهد مثال برای هر کدام بسنده میشود:

واج‌آرایی: (تکرار حرف ر ده مرتبه همراه با تکرار حرف خ چهارمرتبه و تشابه ظاهری آن با حرف ج، ح و چ)

منظر جان پرور را ماه تابان پرده‌دار
خرمن حسن تو را خورشید خاور خوشه‌چین
(دیوان روشن: ۱۷۳)

موازنه:

حدیث تو به حلاوت به طعم شکر مصر
بیان تو به سلاست به نظم در خوشاب
(دیوان روشن: ۱۲۷)

جناس:

به جنب وسعت دریای بیکران شکوهش
فلک به شکل حبابی شمر که بر شمر آمد
(دیوان روشن: ۹۵)

تکرار و تصدیر

شمع اگر روی توست از چه تن من
ز آتش سودا بود چو شمع گدازان
(دیوان روشن: ۱۱۸)

*از دیگر ویژگیهای زبانی شعر روشن در سطح آوایی میتوان به استفاده او از برخی

واژه‌ها بشیوه رایج در زبان پهلوی مانند "آبر" و "ایدون" اشاره کرد:
که هر کس به کس وعده‌ای میدهد ایر وعده خود وفا میکند
(دیوان روشن: ۱۳۶)

ایدون نموده‌اید ز روی ستیز و کین تیر و سنان و نیزه بر اطراف من حصار
(دیوان روشن: ۱۲)

* حذف مصوت کوتاه بضرورت وزن شعر در برخی موارد از دیگر موارد قابل ذکر است:
صدف / صدف ، دامنش / دامنش

ب: سطح لغوی

* کاربرد واژه "چه" به جای "چو" در بیشتر موارد:
به ناله کوش بر آن طفل کاندراغوشش به خواب رفت چه پیکان آبدار مکید
ز ابر دیده به ضعف علیل بیمارش ببار دانه اشکی چه حبه مروارید
(دیوان روشن: ۱۷)

* ایجاد ترکیبهای وصفی جدید:

پرواز اوج قـرب خدا را گشود بال از سـیر آن هـمای هما بال نامدار
(دیوان روشن: ۱۴)

از اشک و آه، خاک جهان را دهم به باد تا شرح این بیان قیامت اثر کنم
(دیوان روشن: ۳۷)

* بکار بردن جمله‌ها و ترکیبهای عربی مانند: لَوْحُشَ الْاَلَمِّ، الْمَنَةُ لِلَّهِ، نَعْمَ الْمَنَاصُ،
بئس المأب، خمسۀ آل عبا:

کامکاران را جنابت مرحبا نعم المناص سروران را آستانت حبذا خیر المأب
(دیوان روشن: ۷۲)

* بکار بردن واژه‌های عربی بجای واژه‌های رایج فارسی با بسامد بالا:

سرور! ای آن که از لطف عمیمت در جهان سال و مه جز شکر احسان تو در افواه نیست
(دیوان روشن: ۱۰۹)

مرا ز حادثه دهر و از نویاب دوران ستانۀ تو ز هر باب ملجأ و مقر آمد
(دیوان روشن: ۹۵)

* بکار بردن ترکیبهای وصفی مقلوب:

بر سر سرو سهی دلکش تذروش در صفیر بر فراز شاخ گل نالان هزارش با فغان
(دیوان روشن: ۶۱)

دلربا زلفت ز سحر سامری بر بوده رنگ جانفزا لعلت ز اعجاز مسیحا برده آب
(دیوان روشن: ۶۸)

* تلفظ واو معدوله با فتحه: مانند همقافیه کردن کلمه "خور" بمعنی خورشید با کلماتی مانند زر، دادگر، مقرر

* کاربرد کلمات مخفف مانند "ستانه" به جای آستانه و "بادفر" به جای بادافراه و ...

ج: سطح نحوی

* بکار بردن "ی" شرط، "ی" تمنی و ترجی و "ی" استمرار در برخی موارد:
"ی شرط"

اگر مهر و وفا بودی به طبع شاهد گیتی کجا انداختندی از نظر احرار و ابرار
(دیوان روشن: ۴۸)

"ی" تمنی و ترجی:

کاش آن زمان که جسم تو می‌گشت غرق خون یکسان به خاک تیره شدی چرخ واژگون
(دیوان روشن: ۲۰)

کاش آن زمان که رفت به شه اینچنین ستم یکبارگی بنای جهان ریختی ز هم
(دیوان روشن: ۲۸)

"ی" استمرار:

کاروان در رفتی و بر خاطر ما بارها رفته اندر خواب راحت کاروانسالارها
(دیوان روشن: ۹)

* کاربرد دعای تأبید و شریطه در انتهای قصاید:

تا روشن است مشعل خورشید بر سپهر همواره باد کوكب اقبال تو منیر
(دیوان روشن: ۸۹)

* بکار بردن انواع شبه جمله مانند زهی، فری، خهی، حبّذا، آلا و ...

۲- ویژگیهای فکری:

از موضوعات متعددی که در دیوان روشن بدان پرداخته شده و در سطح فکری سبک شعری او قابل توجه است، میتوان بمرور زیر اشاره کرد:

* ذکر مصائب امام حسین(ع) و سایر پیشوایان دینی

"میرزا احمد متولی‌باشی" از متولیان آستان مبارک شاهچراغ بوده است و این منصب و مسئولیت بر اساس اشاره خود او در دیوان، از اجداد او بدو رسیده؛ بر این اساس اعتقادات و باورهای مذهبی و تفکرات شیعی بر شعر او حکم فرماست؛ اظهار عشق و ارادت قلبی شاعر به خاندان عصمت و طهارت(ع) بسامد بسیار بالا و تشخیص خاصی در دیوان او دارد. وی در دیوان خود ۵۳۹ بیت در قالب ۴۱ قصیده و ترکیب‌بند را صرفاً بذکر مصائب امام حسین(ع) و واقعه عاشورا اختصاص داده و سرودن این گونه اشعار را سبب محو گناهان و توشه‌ای برای آخرت خود عنوان کرده است:

باز قتال سپهر از ماه نو خنجر کشید
زال گردون بر جبین زد ناخن غم از ملال
کاتب دیوان محنت دفتر غم برگشود
ای سحاب چشم گریان موسم باران توست
آسمان شمشیر خونریز هلالی برکشید
نُه فلک را بر سر از غم نیلگون معجر کشید
حرف شادی را قلم یکبارگی بر سرکشید
کز عطش دود از دل لب‌تشنگان سر برکشید ...
(دیوان روشن: ۸ و ۷)

سپاه گریه به چشمم شبیخون زد
دلیم به بزم عزا مستت تعزیت‌دار است
مگر شنید ز طوفان کربلا سخنی
به چشم هر که نظر میکنم ز گریه خمار
فترات خون دلم طعنه‌ها به جیحون زد
که از دو دیده دو پیمانۀ پر از خون زد
که موج اشک روان سر به اوج گردون زد
چه دوره بود که ساقی چرخ وارون زد ...
(دیوان روشن: ۲۹)

روشن قصاید متعددی نیز در مدح و منقبت و عمدتاً در رثای سایر پیشوایان دینی سروده است. پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع)، امام حسن مجتبی (ع)، حضرت ابوالفضل (س) و دیگر پیشوایان دینی جایگاه خاصی در دیوان او دارند و وی ۳۹۸ بیت در قالب ۱۶ قطعۀ شعری را بمدح یا مرثیۀ ایشان اختصاص داده است. بطور کلی میتوان گفت: فضای فکری شعر او بیشتر تحت تأثیر اندیشه‌های مذهبی و تفکرات دینی وی واقع شده است و اشعاری که وی با موضوع مصیبت امام حسین (ع) و یاران ایشان و نیز منقبت یا مرثیۀ سایر خاندان عصمت و طهارت (ع) سروده، ۳۰/۵۷ درصد کل دیوان را شامل میشود.

علاوه بر گرایشهای مذهبی و موضوعات دینی که بخش عمده‌ای از دیوان روشن را بخود اختصاص داده، سایر موضوعات اشعار وی عبارت است از:

* **موضوعات عاطفی و عاشقانه:** تعداد قابل ملاحظه‌ای از اشعار دیوان روشن یعنی ۷۰۹ بیت در قالب ۹۶ غزل که ۲۳/۱۳ در صد اشعار را شامل می‌شود، به بیان موضوعات عاطفی، احساسی و عاشقانه در بستر غزل اختصاص یافته است.

* **مدح:** روشن در دیوان خود به مدح برخی از بزرگان و صاحب‌منصبان شهر شیراز مبادرت کرده است. از جمله افرادی که وی در مدح آنان قصیده یا قطعه‌ای سروده، میتوان به "حسین علی میرزا"، "وکیل خلیل" و "معمدالدوله فرهاد میرزا" اشاره کرد:

جم نشان معمدالدوله که از معدلتش فلک حادثه را حادثه‌پرداز آمد

(دیوان روشن: ۸۱)

وی در مدح حسین علی میرزا میگوید:

پاینده باد ظلّ خداوند بر سرم یک ذره ظلّ شاه به از صد پدر مرا
کی معدلت حسین علی میرزا که هست از بندگیش فخر به شمس و قمر مرا

(دیوان روشن: ۶۷)

و در مدح وزیر قائم مقام قصیده‌ای دارد با مطلع:

ای بناگوشت صباح و عید رویت آفتاب
عنبرین زلف تو بر آن آفتاب آمد حجاب
زلف طرّار تو عیاری به کف بی‌جان کند
چشم خونخوار تو ترکی دشنه بر کف نیم‌خواب ...
(دیوان روشن: ۶۸)

وی ۶۷۶ بیت در ۳۳ قطعه شعر از دیوان خویش را که در مجموع ۲۲/۰۵ درصد از دیوان را تشکیل می‌دهد بمدح بزرگان و صاحب‌منصبان روزگار خویش اختصاص داده است.

*** سرودن ماده تاریخ:** "روشن" علاقه خاصی بسرودن ماده تاریخ داشته است. وی قطعه‌ها و قصاید متعددی سروده که متضمن ماده تاریخهایی در وفات بزرگان معاصر خویش، تولد فرزند صاحب‌منصبان روزگار، ازدواج، تأسیس عمارت‌های جدید، تاریخ اتمام تألیف کتاب و ... است. بعنوان نمونه ماده تاریخ زیر در وفات "میرزا شفیع" که ظاهراً از پزشکان حاذق آن دوره بوده، سروده شده است:

آه از جـوـر و جـفـای روزگار
داد از بیـسـداد دور آسـمان ...
رفت ناکام از جهان سید شفیع
آن حکیم بخرد روشن‌روان
آن طبییب حاذق عیسی نفس
آن که دادی مرده را ارزنده جان
روشن غمدیده تاریخش بگفت
"مسکنش بادا بهشت جاودان"

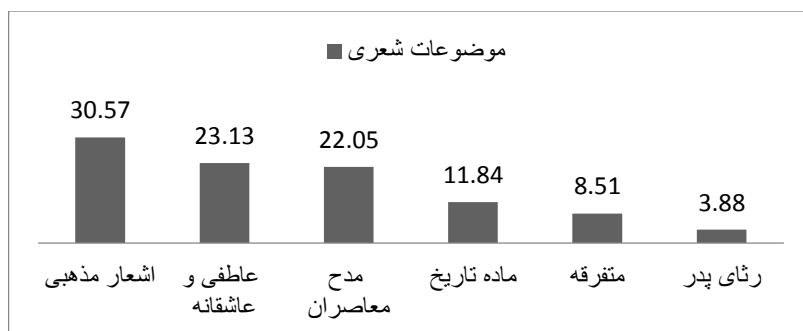
(معادل سال ۱۲۵۰)

(دیوان روشن: ۲۰۱)

۳۶۳ بیت از مجموعه اشعار روشن در قالب ۳۲ قطعه شعر و مجموعاً ۱۱/۸۴ درصد از دیوان وی حاوی ماده تاریخ است و توانایی او را در این حیطة نشان می‌دهد.

مدح و مرثیه پدر: میرزا احمد ارادت خاصی به پدر خود "عالی" داشته و اشعاری از دیوان خویش را بمدح وی و جایگاه والای او در ادب و هنر اختصاص داده است، روشن مرگ پدر را ضایعه جبران‌ناپذیری برای خود میدانند. وی در مجموع ۱۴ قطعه شعر در ۱۱۹ بیت یعنی ۳/۸۸ درصد از کل دیوان خود را درباره پدر و عمدتاً در سوگ از دست دادن او سروده است.

موضوعات پرکاربرد دیوان روشن که فضای فکری حاکم بر شعر او را نشان می‌دهد، بر اساس آمار و ارقام در نمودار زیر نشان داده شده است:



موضوعات ذکر شده بخش اصلی و عمده دیوان روشن را تشکیل میدهد، با این حال ۸/۵۱ درصد دیوان وی را موضوعات متعدد دیگری تشکیل میدهد که اگرچه در مقایسه با موارد فوق بسامد کمتری دارد، بیان برخی از موارد آن خالی از لطف نیست:

***اندیشه‌های قلندرانه:** یکی از موضوعات خاص در دیوان روشن بیان اندیشه‌های قلندرانه و مغانه تحت تأثیر غزلیات سبک عراقی است که بعنوان شاهد مثال به چند مورد آن اشاره میشود:

..ای که از درد و غم دهر ملالت داری
جان ز پیمانۀ می جوی که می جان داروست
دامن پیر مغان گیر که دردت به نواست
روح از جرعه می خواه که می روح افزاست ...
(دیوان روشن: ۱۴۳)

مکن ساقی مرا منع می نـاب
من و مستی و عذر جرمکاری
که مستی بهتر از زهد ریایی
تو و تسبیح و عجب پارسایی
(دیوان روشن: ۱۷۸)

به گوش تو "روشن" بسی خوشتر آمد
ز تکیه بر زاهد صدای قـرآبـه
(دیوان روشن: ۱۷۵)

***شکایت از روزگار:** یکی از موضوعاتی که بسامد نسبتاً بالایی در شعر روشن دارد، شکایت از روزگار و خطاب عتاب‌آمیز با فلک است، تعدادی از قصاید و قطعه‌های او با چنین عتابهایی آغاز میشود:

آه از دور تو ای طشت سپهر واژگون
داد از جور تو ای دهر درشت پر فسون
(دیوان روشن: ۱۰)

آه کز دور سپهر و جور چرخ نیلفام
شهر دین بی‌شاه آمد، ملک ایمان بی‌نظام
(دیوان روشن: ۲۰)

البته خطابه‌های عتاب‌آمیز میرزا احمد با چرخ زمانه و دور فلک بیشتر در آغاز مرثیه‌های او در ذکر مصیبت امام حسین(ع) و سایر اهل بیت عصمت و طهارت قرار دارد و همچون براعت استهلال از همان ابتدای شعر فضای حزن و اندوه را به مخاطب منتقل میکند.

*** توصیف:** روشن‌قصدی متعددی در وصف عمارتها و باغهای متعلق به بزرگان شیراز دارد که بسیار خوب از عهده این توصیفها برآمده است، از جمله قصیده‌ای که در وصف باغ شهزاده فرمانفرما سروده است:

*** مفاخره:** از دیگر موضوعاتی که گاه روشن‌بدان پرداخته، مفاخره و خودستایی در چیست آن باغی به نزهت چون بهشت جاودان
فارغ از باد بهاری ایمن از باد خزان
در نظر بالای سروش قامت رعنا یار
جلوه‌گر روی گلش چون طلعت حور جنان
هر طرف جویی در او جاری عدیل سلسبیل
هر کران نهری نظیر چشمه حیوان روان.....
(دیوان روشن: ۱۲۱ و ۱۲۲)

شعر است که بیان آن بویژه در برخی سبکها جزء سنن ادبی بشمار می‌آید:

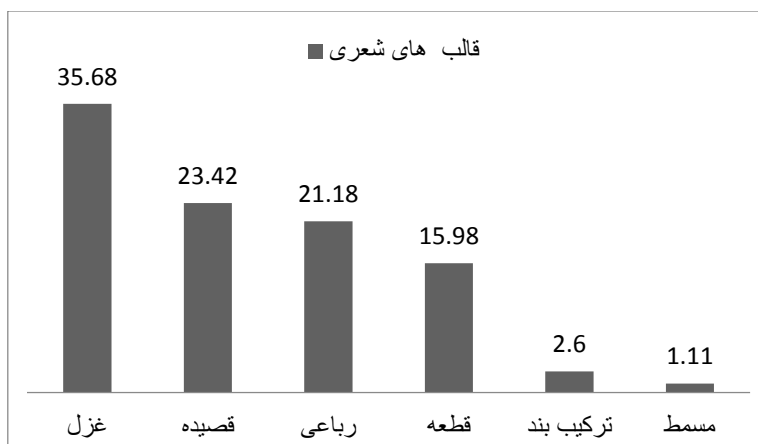
زهی احمدای که اشعار نغزت
به خوبی ز درّ و گهر برده رونق
به شاگردیت داد اذعان معزی
به شاگردیت کرده اقرار عمیق ...
ز خط تو منسوخ خط شفیعاً
ز نقش تو شرم‌منده نقش خورنق ...
(دیوان روشن: ۱۳۷)

*** اتفاقات زندگی شخصی شاعر:** برخی از وقایع زندگی شخصی شاعر از دیگر موضوعات مطرح شده در دیوان اوست که برای نمونه میتوان به رثای شاعر در مرگ خواهر خود، درد دندان و ... اشاره کرد. بعنوان مثال وی قطعه شعری با ردیف "چگه" دارد که در آن بتوصیف باران سیل‌آسایی که در شهر شیراز باریده و باعث چکه کردن سقف خانه‌ها شده، پرداخته است:

خون شــــدد دلم از صدای چگه
وز نالـــــــه غم فزای چگه ...
(دیوان روشن: ۶۸)

۳- ویژگیهای ادبی:

روشن در دیوان خویش انواع قالبهای شعری را مورد استفاده قرار داده است. از لحاظ تعداد ۹۶ غزل، ۶۳ قصیده، ۵۷ رباعی، ۴۳ قطعه، ۷ ترکیب‌بند و ۳ مسمط پیکر دیوان روشن را میسازد. اگر تعداد قالبهای شعری بدون در نظر گرفتن تعداد ابیات هر قطعه شعر ملاک قرار گیرد، در صد کاربرد قالبهای بکار رفته در دیوان روشن بدین شرح است: غزل ۳۵/۶۸ درصد، قصیده ۲۳/۴۲ درصد، رباعی ۲۱/۱۸ درصد، قطعه ۱۵/۹۸ درصد، ترکیب‌بند ۲/۶۰ درصد و مسمط ۱/۱۱ درصد. این آمار و ارقام در نمودار زیر نشان داده شده است:



فنون بیان: دیوان روشن را از حیث کاربرد فنون علم بیان و نیز آرایه‌های بدیع لفظی و معنوی میتوان به دو بخش تقسیم کرد: بخش نخست قصاید اوست که حجم و سبکی از آن به رثای اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بویژه حضرت امام حسین (ع) و واقعه عاشورا اختصاص دارد. در این بخش شاعر بیشتر بر بیان موضوع متمرکز بوده و کمتر به هنرنمایی شاعرانه پرداخته است، بدین لحاظ در این اشعار عموماً معنی بر لفظ غلبه دارد. در سایر قصیده‌های او که مدیحه‌پردازی و توصیف، پیکره اصلی آن را تشکیل میدهد، شعر روشن به قصاید سبک خراسانی نزدیک است و استواری، جزالت و لحن حماسی آن اشعار را به یاد می‌آورد. ابیات زیر نمونه‌ای از قصاید مدحی اوست:

... آن که به گرز گران به عرصه هیجا	تارک قیصر شکست و افسر خاقان
آن که به هنگام رزمگه چو بگیرد	ناوک خاراگذار و خنجر برآن
پیکر بهمن بچا کد از سر خنجر	دیده آرش بدوزد از دم پیکان
گاه سخاوت کند چو جای به مسند	روز شجاعت نهد چو پای به میدان
طی کند از دهر نام حاتم طایی	محو ز خاطر حدیث رستم دستان ...
کاخ جلال تو را مهندس دانش	خشت نخستین نهاد بر سر کیوان ...

(دیوان روشن: ۱۱۹)

بخش دوم دیوان روشن شامل غزلیات و نیز سایر قالبهای شعری اوست. در این بخش زبان شاعر تصویری است و انواع صور خیال و آرایه‌های بدیعی برای مخیّل کردن کلام مورد استفاده قرار گرفته است. در میان انواع صور خیال، روشن بیش از همه به تشبیه توجه دارد و در مجموع موارد بدیع و تازه در آن کم نیست.

تو گفתי که آن خامه بود آهوی چین که افشاند بر صفحه مشک فراوان

(دیوان روشن: ۱۴۱)

طَرّه طرّار دوست کافری آتش‌پرست
سنبِل پیچان او سلسله شیرگیر
جادوی خونخوار یار هندوی آینه‌دار
نرگس فتّان او آهوی ضیغم‌شکار ...
(دیوان روشن: ۱۶۷)

تشبیهات او بیشتر از نوع تشبیه بلیغ است:

سر زد نبات سبزه از شکر لبانت
صد بار بیشتر شد زاری عاشقانت
(دیوان روشن: ۱۹۳)

روی گل شاهد، گلستان بزم و مطرب عندلیب
باده باران، لاله جام لعلگون، ساقی سحاب
(دیوان روشن: ۷۰)

ترکیبات تشبیهی چون کعبه قرب، شهد شفا، خلعت عفو، دیوان محنت، دُر اشک، نار آه، کوی وفا، لجه درد، قتال سپهر، زال گردون، کاروان ابتلا، توسن همت، قربانگاه عشق، تیشة بیداد، کشور دل، طشت سپهر واژگون، زلال بقا، ابر عنایت، بزم تعزیت، فرات اشک، قبای عبد، صحرای سینه، خیاط صنع لم‌یزلی، ساقی ستیزه، میغ فرات، زهر غم، کشور خوبی، لباس شهادت، مرآت خرد، باختر طبع، طفل خاطر، طوطی کلک، خیمه‌سار دیده، مهرگان محنت، عیسی لب، فصاد غم، کلک شاخ، ورق ماه، تیر کرشمه، کعبه امید، سیلاب فنا، م‌شعل خور شید، نار آه، خنجر غمزه، گلستان جمال، ساغر چ شم، تُرک چ شم، گل حسرت، دندان آرزو، سموم مرگ، گلزار مردمی، سپهر دلبری، بستان وفا، باغ سعادت، باغ معنی، گلزار دوران، می خوشدلی، شاهنشاه عشق، بازار نشور، باغ عفاف، ساقی دوران، شراب مرگ، دُر محنت، تُرک نگاه و نیز تشبیه بیان به دُر ثمین، خورشید به ظلمت، ناهید به ساقی، زحل به هندو، ماه به حلقه در و ... اگرچه برخی تازه و بکر و برخی دیگر کم و بیش مسبوق به سابقه است اما روشن هر کدام را با معانی لطیف در هم آمیخته و نغز پیکری ادیبانه فراهم آورده است.

اگرچه تشبیهات بلیغ در دیوان روشن کاربرد افزونتری دارد، وی در سایر انواع تشبیه نیز طبع‌آزمایی کرده است که بدلیل تنگی مجال سخن به بیان یکی دو مورد تشبیه مرکب از مجموع موارد آن بسنده میشود:

در بهشت روی تو آن نقطه خال سیاه
میدهد یاد از بهشت و گندم و آدم مرا
(دیوان روشن: ۱۸۳)

گو شة لعل لب آن خال سیاهش بین توگویی
پاسبانی بر لب آب بقا بنشسته دارد
(دیوان روشن: ۱۵۰)

استعاره در اشعار روشن کاربرد بسیار کمتری در مقایسه با تشبیه دارد. می‌استعاره از شعر، گلزار خونین‌دلان استعاره از دشت کربلا، شعله استعاره از آه سوزان، شمشیر خونریز هلالی استعاره از ماه آسمان، فُلك نجات استعاره از امام حسین(ع)، ماه بطحا استعاره از

حضرت ابالفصل (س)، ساقی بهشت استعاره از حضرت علی(ع)، همای هما بال استعاره از امام حسین(ع)، نوبهار گریه استعاره از ماه محرم، جوی خون استعاره از اشک روان از جمله موارد آن است.

ترکیباتی چون گلبن باغ سعادت، سرو بستان وفا، قامت پیر چرخ، دست قضا، چشم اختر، سینه فلک، رخ عرش، دیده خارا، عیار مودت از ترکیبات استعاری کم و بیش پرکاربرد است که روشن هم در دیوان خود بکار گرفته، البته گاه استعاره‌ها و تشخیصهای او با مضمون پردازیهای هنرمندانهای قرین گشته و زیبایی ویژه‌ای به ابیات وی داده است. مانند:

ویحک آن مرغ بریده سر که داری در بنان
شهدش از منقار میریزد به طعم نیشکر
طوطی نغز سخنگو کبک هم‌رنگ غراب
دُرش از گفتار میبارد به نور آفتاب
(دیوان روشن: ۷۱)

گیسو گشوده شام و گریبان دریده صبح
ساکن سپهر از چه و لرزان زمین چراست؟
مشتری از الیم عمامه گشود
(دیوان روشن: ۱۹)

زهره گیسوی خود ز غم بیرید
مشتری از الیم عمامه گشود
(دیوان روشن: ۶۵)

رگس مسکین عصا بر دست با چشم نزار
همچو بیماری که از ضعف درون باشد به تاب
(دیوان روشن: ۷۰)

روشن در برخی موارد از کنایه و مجاز هم به عنوان ابزارهای بیان استفاده کرده که البته بسامد آن در مقایسه با بسامد تشبیه چندان قابل توجه نیست. مانند:

ای مرگ بیابا که مشتاق توام
چون پای دلم سخت به سنگ آمده است
(دیوان روشن: ح ۱۹۷)

گر گدایی به سر کوی تو باش دهــــد
داور مملکت از تــــاج و نگیــــن میگــــذرد
(دیوان روشن: ۱۵۳)

* **بدیع:** در صفحات پیشین به این نکته اشاره شد که شعر روشن در ذکر مصائب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بیشتر حرفی و مستقیم است و معنی بر لفظ رجحان دارد اما در سایر بخشهای دیوان، شعر او به اندازه کافی از ظرافتهای بیانی و آرایه‌های لفظی و معنوی برخوردار است. محدوده تنگ مقاله امکان بررسی جامع این هنرمندیها را فراهم نمیسازد بنابراین بعنوان نمونه و شاهد مثال به برخی موارد آن اشاره میشود.

* **تلمیح:** یکی از پرکاربردترین آرایه‌های ادبی در دیوان روشن آرایه تلمیح است که به وفور در سراسر دیوان وی دیده میشود و گاه بسیار ظریف و نامحسوس مخاطب را بموضوع مورد نظر شاعر رهنمون میگردد:

خرابم کن از می که مأوای دوست به جز کنج دل‌های ویرانه نیست
(دیوان روشن: ۱۹۹)

تلمیح زیبایی دارد به حدیث قدسی «أَنَا عِنْدَ قُلُوبِ الْمُنْكَسِرَةِ»
آن که در فیض دم جان‌پرورش عظم رمیم باز گشتی زنده، سبحان الذی یحیی العظام
(دیوان روشن: ۲۱۸)

تلمیح دارد به آیه ۷۸ و ۷۹ سوره یس
هنگامه قیامت کبری شد آشکار گویی گسیخت سلسله ربط کاف و نون
(دیوان روشن: ۲۳)

تلمیح دارد به آیه ۸۲ سوره یس
ایجاد پی‌میر از نبودى موجود هرگز نشدی ع-ا-ل-م و آدم م-و-ج-و-د
(دیوان روشن: ۲۰۶)

تلمیح دارد به حدیث قدسی «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْاَفْلَاكَ» (احادیث مثنوی، فروزانفر: ص ۱۷۲)
بلی هر که از مادر دهر زاد ورا لاجرم سوی مرگ است راه
(دیوان روشن: ۲۰۸)

تلمیح دارد به آیه: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»
گشت هم‌رنگ زمرد مزرع امید من آری آری کور بادا افعی چشم حسود
(دیوان روشن: ۱۴۵)

تلمیح دارد به باور عامیانه کور شدن چشم افعی با نگاه کردن به زمرد.
* مبالغه، اغراق و غلو از دیگر صنایع ادبی است که شاعر به وفور از آن بهره جسته است.
افراط و زیاده‌روی شاعر در وصف، مدح یا ذم را اگر از حد امکان عقلی و عادی تجاوز نکرده
باشد، مبالغه گویند، اگر بحسب عقل ممکن اما به حسب عادت ناممکن باشد، اغراق و اگر
از نظر عقل و عادت هر دو ناممکن باشد، غلو گویند. در ابیات زیر شاعر غلو بکار برده است:
قرص خورشید که آرایش خوان فلک است بر سر سفره نزل تو کمین ماحضر است
(دیوان روشن: ۷۴)

آن پشه که تقویت ز نیروی تو یافت روز مصاف پیل دمان را فگار کرد
(دیوان روشن: ۸۳)

* اسلوب‌الحکیم:

از دهانت گفتمش خون شد دلم گفت این یک قطره خون هم دل است
(دیوان روشن: ۱۹۴)

* حسن تعلیل:

حاجت زنجیر نبود عاشق دیوانه را
زان که بر پای دلش محکم کمندی از وفاست
حلقه کعبه سر زلف تو گر نیست بر آن
(دیوان روشن: ۱۹۵)

از چه خلقی پی حاجات درآویخته‌اند؟
(دیوان روشن: ۱۴۸)

* لف و نشر:

جادوی سامری و معجز موسی و مسیح
از دو جزع و خد و لعل تو عیان خواهد بود
علی بن ابیطالب که زبید خادمش بر در
خلیل و نوح و موسی و دگر عیسی به درگاهش
(دیوان روشن: ۱۵۲)

مه و پروین و خورشید و نجوم آسمان یکسر
یکی خادم یکی حاجب یکی دربان یکی چاکر
(دیوان روشن: ۱۶۶)

* مراعات النظیر:

باز آی که آب دیده و آتش دل
از هجر تو خاک هستتیم داد به باد
با تنور فلک و قرص مه و مهر مدام
(دیوان روشن: ح ۲۰۶)

چرخ در مطبخ احسان تو خباز آمد
(دیوان روشن: ۸۲)

* تجاهل العارف:

خال است بر رخ تو یا هندویی به کعبه؟
یا زنگی است گلچین بر طرف گلستانه؟
(دیوان روشن: ۱۹۳)

ای بدر آسمان به جبین تو مشتری
زهره است یا سهیل یمن یا جبین تو؟
(دیوان روشن: ۱۷۳)

* ایهام تضاد:

با سر زلف تو پیوند و فایز رقیب
بست تا رشتۀ امید مرا پاره کند
از ملاحظت به جهان شور فکنده است لب
طرفه شوری است که با نیشکر آمیخته‌اند
(دیوان روشن: ۱۴۶)

(دیوان روشن: ۱۴۸)

* متناقض نما (پارادوکس):

هر که شد زنجیری زلف بتان
در طریق عشقبازی عاقل است
(دیوان روشن: ۱۹۴)

بطور کلی باید گفت: "روشن" از انواع صور خیال و آرایه‌های ادبی به وفور در دیوان خویش بهره برده، اما در حیطه صور خیال، تشبیه و در میان آرایه‌های ادبی تلمیح، اغراق و جناس کاربرد بیشتری در دیوان وی دارد.

نتیجه:

میرزا احمد متولی‌باشی متخلص به "روشن" یکی از شعرای شهر شیراز در دوره قاجار و از متولیان آستان مبارک حضرت شاهچراغ بوده است. پدر روشن، محمد حسین متخلص به "عالی" نیز از شاعران معروف شیراز بوده که احوال وی و خانواده او مورد توجه تذکره‌نویسان واقع شده است. "روشن" دیوان شعری از خود به یادگار گذاشته که از آن تنها یک نسخه در دست است و در کتابخانه حضرت شاهچراغ به شماره ۳۰ نگهداری میشود. این نسخه ۲۰۹ صفحه و ۳۰۱۶ بیت دارد. روشن از شعرای سبک بازگشت ادبی بشمار می‌آید و بیشتر ویژگیهای این سبک در اشعار وی قابل مشاهده است. زبان شعری او بسیار سلیس و روان است و پیچشهای زبانی، ترکیب‌سازیهایی غریب و واژه‌های دشوار در آن بچشم نمیخورد. او در قصیده به سبک خراسانی و در غزل به سبک عراقی تمایل دارد. حدود ۳۶٪ قالبهای شعری روشن را غزل، ۲۳٪ را قصیده و ۲۱٪ را رباعیات به خود اختصاص داده است. قطعه، ترکیب‌بند و مسمط در رده‌های بعدی قرار دارند. از مجموع ابیات دیوان وی حدود ۳۲٪ در بحر رمل، ۲۳٪ در بحر مضارع و ۱۶٪ در بحر هزج سروده شده است. محور مجتث، متقارب، منسرح و خفیف به ترتیب در صدهای بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. ۴۵٪ ابیات دارای ردیف هستند که ردیفهای "فعلی" با حدود ۶۳٪ کاربرد بیشتری در مقایسه با ردیفهای اسمی یا حرفی دارند. کاربرد انواع سجع، جناس، ترصیع، موازنه، هم‌حروفی یا هم‌آوایی و تکرار کلمات مصادقهای فراوانی در شعر او دارد و در مجموع شعر وی را از لحاظ موسیقی درونی غنی ساخته است. ایجاد ترکیبهای وصفی جدید، کاربرد واژه‌های عربی بجای واژه‌های متداول فارسی، استفاده از جمله‌ها و ترکیبات عربی از مواردی است که در سطح لغوی شعر او قابل تأمل است. بررسی محتوایی و فکری دیوان روشن نشان میدهد بخش قابل توجهی از دیوان وی به رثای امام حسین (ع) و بیان واقعه خونبار عاشورا، نعت پیامبر (ص) و امامان شیعه اختصاص دارد. در مجموع اشعار مذهبی با حدود ۳۱٪ حجم قابل توجهی از دیوان را وی تشکیل میدهد. سایر موضوعات شعری وی شامل عشق و تغزل، مدح بزرگان و شخصیت‌های معاصر شاعر، توصیف، بیان اندیشه‌های قلندران و مغانه، شکایت از روزگار، وقایع زندگی شخصی شاعر و تعدادی ماده تاریخ است. "روشن" از انواع صور خیال در دیوان خویش بهره برده، البته تشبیه جایگاه ویژه و کاربرد بیشتری در شعر او دارد. انواع آرایه‌های لفظی و معنوی مانند جناس، تلمیح، مبالغه، اغراق و غلو، اسلوب‌الحکیم، حسن تعلیل، لف و نشر، مراعات‌النظیر، تجاهل‌العارف، ایهام تضاد، متناقض‌نما و ... نیز مورد توجه شاعر بوده و از آن بتناسب استفاده کرده است، البته جناس، تلمیح و غلو کاربرد بیشتری در دیوان وی دارد. زبان روشن در ذکر مصائب امام حسین (ع) و واقعه عاشورا بیشتر مستقیم و حرفی و متمرکز بر معناست اما در غزلیات

و سایر قالبهای شعری به صور خیال و آرایه‌های ادبی توجه بیشتری دارد و از انواع شگردهای آن برای خلق کلام هنری استفاده کرده است.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. احادیث منثوی، فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۶۶)، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۳. تذکره اختر، گرجی نژاد، احمد (۱۳۴۳)، به کوشش ع. خیام پور، تبریز، چاپخانه شرکت چاپ کتاب آذربایجان.
۴. تذکره دلگشا، نواب شیرازی، علی‌اکبر (۱۳۷۱)، تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسایی، انتشارات نوید شیراز.
۵. تذکره نگارستان دارا، دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۴۲)، بکوشش ع. خیام پور، انتشارات دانشگاه تبریز.
۶. حدیقه الشعرا، دیوان بیگی شیرازی، سید احمد (۱۳۶۵)، با تصحیح و تکمیل و تحشیه دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات زرین، ج ۱.
۷. دنا (فهرستواره دستنوشته‌های ایران)، درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ج ۵.
۸. روش تصحیح نسخه‌های خطی، فروهر، نصرت‌الله (۱۳۷۹)، کیهان فرهنگی، سال هفدهم، ش ۱۶۵، ص ۱۱ تا ۱۵.
۹. سبکها و مکتبهای ادبی (در دری)، سجادی، ضیاءالدین و بصاری، طلعت. انتشارات آرمان.
۱۰. فار سننامه ناصری، حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۸۲)، تصحیح و تحشیه از دکتر منصور رستگار فسایی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج ۲.
۱۱. فرهنگ سخنوران، خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۴۰)، تبریز، چاپ کتاب آذربایجان.
۱۲. فهرست کتابهای خطی کتابخانه شاهچراغ، برکت، محمد (۱۳۸۲)، تهیه و تنظیم: کتابخانه حضرت شاهچراغ شیراز، انتشارات فلاح.
۱۳. کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۳)، انتشارات فردوس.
۱۴. مجمع الفصحا، هدایت، رضا قلی خان (۱۳۴۰)، انتشارات امیرکبیر.
۱۵. مرآه الفصاحه، داور، شیخ مفید (۱۳۷۱)، بکوشش دکتر محمود طاووسی، انتشارات نوید شیراز.
۱۶. مکارم‌الآثار، معلم حبیب آبادی، محمد علی (۱۳۶۲)، اصفهان، انتشارات کمال.
۱۷. نسخه خطی "دیوان روشن"، میرزا احمد متولی‌باشی (۱۲۸۲)، شماره ۳۰، کتابخانه حضرت شاهچراغ، شیراز.